



## بررسی مضامین پایداری در شعر معین بسیسو و سعید بیابانکی

د. حسین مهتدی<sup>(\*)</sup>

سیده مریم موسوی نسب<sup>(\*\*)</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۱۵

مقاومت و پایداری به معنای ایستادگی در برابر تجاوز، تعدی، ظلم و ستم و همچنین تلاش برای دستیابی به پیروزی است. ادبیات پایداری، زبان حال انسان‌هایی است که در برابر این چالش‌ها قیام کرده و مبارزه می‌کنند. ایران و فلسطین از جمله کشورهای هستند که در تاریخ خود شاهد تجاوز و هجوم دشمنان به خاکشان بوده‌اند. با توجه به اشتراکات فرهنگی و دینی این دو ملت و تحولات اخیر منطقه، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی و تحلیل مضامین مقاومت و پایداری در شعر دو شاعر برجسته از این دو کشور، معین بسیسو از فلسطین و سعید بیابانکی از ایران، می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش مهم است که نگاه این دو شاعر به مضامین مقاومت و پایداری در آثارشان چگونه است؟ یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای

(\*) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول) mohtadi@pgu.ac.ir

(\*\*) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

انجام شده است، نشان می‌دهد که هر دو شاعر در آثار خود به مضامین مشترکی چون شهادت، وطن و مبارزه پرداخته‌اند و اشعاری تأثیرگذار در این زمینه سروده‌اند. در شعرهای بسیسو، مفهوم وطن با رنگ و بوی ملیت برجسته است، در حالی که در آثار بیابانکی، این مفهوم بیشتر با قالب مذهب همراه است. از دیگر نتایج مهم این پژوهش، اشاره به شخصیت‌های اسلامی مشترکی است که هر دو شاعر درباره آنها شعر سروده‌اند و در میان این شخصیت‌ها، امام حسین (ع) جایگاهی ویژه دارد.

**واژگان کلیدی:** پایداری، شعر معاصر، معین بسیسو، سعید بیابانکی

## ۱- مقدمه

واژه پایداری و اصطلاح ادبیات پایداری در قرن بیستم رواج بسیاری داشته است؛ زیرا در این زمان کشورهای زیادی مورد تهاجم و ستم قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی ادبیات پایداری به ابزار قدرتمندی برای شاعران و نویسندگان در جهت به تصویر کشیدن رشادت‌ها و فداکاری‌ها و رساندن صدای مظلومیت آنها به گوش جهانیان تبدیل شده است. شاعران و نویسندگان حوزه ادبیات پایداری با آگاهی بخشی و روشننگری، نقش مهمی در مبارزه با ستم داشته‌اند. آنان می‌کوشند تا با فریاد دادخواهی حقوق پایمال شده مردم را مطالبه کنند و به همین دلیل است که ادبیات پایداری همواره با تعهد و مسئولیت اجتماعی همراه بود.

جذابیت مقاومت و پایداری و انطباق آن با فطرت انسانی، که همواره مبارزه با ظلم و ظالم را امری پسندیده می‌داند، باعث اقبال عمومی به این حوزه شده است. این فطرت ظلم‌ستیزانه انسانی در ادبیات نیز نمود یافته است و ادبیات پایداری به یکی از شاخه‌های جذاب ادبی تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، پس از وقایع مربوط به مقاومت مردم فلسطین در برابر رژیم غاصب و همچنین جنگ تحمیلی و دفاع مقدس در ایران، این حوزه پررنگ‌تر از گذشته مطرح شده و آثار ارزشمندی از سوی نویسندگان و شاعران به رشته تحریر درآمده است. مهم‌ترین عامل پیدایش

این نوع ادبیات، ظلم‌ستیزی و دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌هایی نظیر سرزمین، خانواده، و مقابله با دشمنان بوده است.

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های نقد ادبی است که به بررسی روابط ادبی ملل مختلف و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها می‌پردازد. این حوزه بازتابی از داد و ستد فرهنگی است؛ همان‌گونه که فرهنگ‌ها در تعامل با یکدیگر قرار دارند، ادبیات به‌عنوان یکی از ارکان فرهنگ نیز متأثر از این تعاملات است. ادبیات تطبیقی تصویر انعکاس ادبیات و فرهنگ یک ملت در ملت یا ملت‌های دیگر است (فرشیدورد ۸۰۸: ۱۳۶۳).

ادبیات ایران و فلسطین به دلیل اشتراکات فرهنگی و تاریخی، به‌ویژه در حوزه ادبیات پایداری، شباهت‌های قابل‌توجهی با یکدیگر دارند. هر دو ملت در تاریخ خود دچار تجاوز و تعدی دشمنان به خاکشان شده‌اند. این پژوهش، با بهره‌گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی و به‌صورت کتابخانه‌ای، تلاش می‌کند تا درون‌مایه‌های مشترک در اشعار دو شاعر برجسته از این کشورها، معین بسیسو و سعید بیابانکی، را مورد بررسی قرار دهد؛ همچنین هدف آن تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری این دو شاعر در اشعارشان و نمایش این ویژگی‌هاست.

## ۱-۱- پیشینه پژوهش

ادبیات پایداری به دلیل جذابیت موضوعی و جایگاه ویژه‌ای که در تبیین مبارزات انسانی و اجتماعی دارد، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش‌های متعددی تاکنون به بررسی ابعاد مختلف ادبیات پایداری و تحلیل آثار شاعران برجسته این حوزه پرداخته‌اند. در این بخش، به مرور پژوهش‌های مرتبط با موضوع مطالعه حاضر می‌پردازیم.

### پایان‌نامه‌ها

- «معین بسیسو از خلال آثارش»، نویسنده: سید محسن آرمند، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، تابستان ۱۳۹۰. در این پژوهش، نویسنده به بررسی دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی معین بسیسو و تحلیل فنی اشعار وی پرداخته است. این مطالعه رویکرد جامعی به ابعاد مختلف آثار بسیسو ارائه داده و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی اشعار او را بررسی کرده است.

- «بررسی عناصر پایداری در اشعار معین بسیسو»، نویسنده: فاطمه حسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، زمستان ۱۳۹۲. این پژوهش به بررسی آراء و افکار معین بسیسو پرداخته و نشان می‌دهد که شاعر با بهره‌گیری از مکاتب ادبی کلاسیسم، رمانتیسم و رئالیسم به مضامین پایداری پرداخته است، اما گرایش اصلی او به مکتب سیاسی مارکسیسم بوده است.
- «بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر نصرالله مردانی و معین بسیسو»، نویسنده: هارون جان‌محمدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز بندر ترکمن، پاییز ۱۴۰۰، در این پژوهش، مؤلفه‌های مقاومت و پایداری مانند دفاع از وطن، استبدادستیزی، آگاهی‌بخشی و ظلم‌ستیزی در اشعار نصرالله مردانی و معین بسیسو مورد تحلیل قرار گرفته است.

#### مقالات

- «خوانش تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر معاصر فلسطین؛ مطالعه مورد پژوهانه: شعر معین بسیسو و قیصر امین‌پور»، نویسندگان: احمدرضا حیدریان شهری و ندا تصدیقی، فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۹۰. این مقاله به مقایسه عناصر موسیقایی و تصاویر شعری در اشعار معین بسیسو و قیصر امین‌پور پرداخته است و شباهت‌ها و تفاوت‌های برجسته‌ای را در نحوه پرداختن به مضامین پایداری میان این دو شاعر بررسی کرده است.
- «تطبیق شاخص‌های ادب پایداری در سروده‌های عبدالجبار کاکایی و معین

بسیسو»، نویسندگان: نجس نجم الدین و معصومه صادقی، فصلنامه بهارستان سخن، سال چهاردهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۶، نویسنده این مقاله به تحلیل مضامین شعری پایداری مانند وطن، شهادت، نقد شاعران منفعل و اهمیت مادران و همسران شهدا در اشعار عبدالجبار کاکایی و معین بسیسو پرداخته است.

- «بررسی و تحلیل اندیشه‌های پایداری در آثار سپیده کاشانی و سعید بیابانکی»، نویسندگان: سید مسعود دفتریان و محسن محمدی فشارکی، فصلنامه جامع دفاع مقدس، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، این پژوهش با تبیین ویژگی‌های شعر دفاع مقدس، سبک‌های شعری سپیده کاشانی و سعید بیابانکی را تحلیل کرده و به درون‌مایه‌های مشترک در اشعار این دو شاعر پرداخته است.

با وجود مطالعات متعدد درباره ادبیات پایداری و آثار معین بسیسو و سعید بیابانکی، پژوهش مستقلی که مؤلفه‌های ادبیات پایداری را به صورت تطبیقی میان این دو شاعر بررسی کند، یافت نشده است. این مسئله اهمیت پژوهش حاضر را دوچندان می‌کند؛ زیرا با نگاهی تطبیقی، به مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری و هنری این دو شاعر می‌پردازد و درک عمیق‌تری از تعامل فرهنگی و اجتماعی در ادبیات مقاومت ارائه می‌دهد.

## ۲-۱. سؤالات پژوهش :

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی مضامین مقاومت و پایداری در اشعار معین بسیسو و سعید بیابانکی، به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. مضامین مشترک در اشعار معین بسیسو و سعید بیابانکی کدام‌اند؟
  ۲. نوع نگاه دو شاعر به مضامین مقاومت و پایداری چگونه است؟
- این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به

بررسی مضامین مشترک پایداری در اشعار معین بسیسو و سعید بیابانکی می‌پردازد.

## ۲. تعریف ادبیات پایداری و پیشینه آن

اصطلاح «ادبیات مقاومت» ابتدا در فلسطین و توسط غسان کنفانی، نویسنده شهید فلسطینی، مطرح شد. او در کتاب خود ادبیات مقاومت در فلسطین، که در سال ۱۹۶۶ منتشر شد، این مفهوم را به جهان معرفی کرد و مظلومیت و مبارزات مردم فلسطین را به تصویر کشید (ترابی، ۱۳۸۹:۶۶). از آن زمان، این اصطلاح به ادبیات دیگر ملل، از جمله ایران، سرایت کرد و به ابزاری برای نمایش مقاومت و دفاع از هویت و ارزش‌های انسانی تبدیل شد.

از آغاز تاریخ بشر، مقاومت و پایداری به‌عنوان ویژگی‌هایی جدایی‌ناپذیر در ذات انسان‌ها وجود داشته و نقش مهمی در زندگی آنان ایفا کرده است. نخستین جلوه‌های مقاومت در تلاش برای مقابله با سختی‌های زندگی و بلاهای طبیعی نمایان شده‌اند. اما با گذشت زمان، ایستادگی در برابر ظلم، تجاوز و بی‌عدالتی معنایی عمیق‌تر پیدا کرده و به یک هنر مقدس و زیبا بدل شده است. این شکل والای مقاومت به‌ویژه در ادبیات بازتاب یافته و شاخه‌ای به‌نام ادبیات پایداری یا مقاومت را به وجود آورده است. به طور کلی، این نوع ادبیات شامل آثاری است که در بستر شرایطی همچون استبداد داخلی، تجاوز خارجی، غصب منابع ملی و نقض آزادی‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و مخاطبان خود را به مبارزه با چنین ناملایماتی فرا می‌خوانند (جامه‌شورانی، ۱۳۹۷:۵). این ادبیات گاهی در واکنش به ستم‌های اجتماعی و گاهی در پاسخ به تجاوزات خارجی شکل می‌گیرد و نماد هویت ملی و تاریخی یک ملت است.

### ۲-۱. ادبیات پایداری در ایران و فلسطین

ایران و فلسطین، به دلیل تجربه جنگ و اشغال، از مراکز مهم ادبیات پایداری

بوده‌اند. فلسطین، با تاریخ طولانی مقاومت در برابر اشغال، الهام‌بخش بسیاری از شاعران جهان اسلام بوده است. «نبض شعر عرب امروز با مسأله فلسطین می‌تپد شاید نتوان شاعری یافت که در کشورهای عربی شعر بگوید و موضوع بخشی از شعرهایش را فلسطین تشکیل ندهد. همانگونه که در دنیای قدیم به ندرت می‌توان شاعری یافت که از عشق سخن نگفته باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۴۹). در ایران، ادبیات پایداری به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی به اوج خود رسید. در دهه ۱۳۶۰، شاعرانی ظهور کردند که مفاهیم مرتبط با دفاع مقدس را با زبانی شفاف و گاه حماسی به تصویر کشیدند. قیصر امین‌پور به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این عرصه شناخته می‌شود (شرفی، ۱۳۹۴: ۴۲).

## ۲-۲. تفاوت‌های ادبیات پایداری ایران و فلسطین

محمد رضا سنگری در کتاب ادبیات دفاع مقدس تفاوت‌های مهمی بین ادبیات پایداری ایران و دیگر ملل، از جمله فلسطین، بیان کرده است:

ادبیات پایداری فلسطین بر «ناسیونالیسم» (ملی‌گرایی) و «روح وطنی» (حس میهن‌پرستی) تأکید دارد، در حالی که در ایران، هویت دینی برجسته‌تر است. دغدغه‌های شاعران فلسطینی بیشتر حول موضوعاتی چون آوارگی و تراژدی شکست است، اما در ایران، امید به پیروزی و آرمان‌های جهانی غالب است. در فلسطین، ادبیات مقاومت بیشتر آفاقی است، اما در ایران، مضامین عرفانی و آنفُسی پررنگ‌تر هستند (سنگری، ۱۳۹۸: ۱۹).

## ۳- مروری بر زندگینامه معین بسیسو

معین بسیسو، فرزند توفیق بسیسو، در سال ۱۹۲۷ میلادی در شهر غزه متولد شد. او در دوران جوانی به عرصه شعر و ادبیات علاقه نشان داد و نخستین دیوان خود را با نام «المعركة» در دوران تحصیل در دانشگاه آمریکایی منتشر کرد. این اثر،

که نام خود را از یکی از قصاید موجود در دیوان گرفته است، نقطه آغاز فعالیت‌های ادبی معین بسیسو بود.

او طی زندگی خود به کشورهای مختلف عربی سفر کرد و آثارش به‌طور عمده بازتابی از دغدغه‌های میهنی و آرزوهای بازگشت به وطن بود. شعر بسیسو به تصویر واقع‌گرایانه‌ای از زندگی آوارگان فلسطینی پرداخته و در برابر ستمگران قیام کرده است. دکتر غالی شگری در توصیف شعر بسیسو، گوهر فراگیر آن را «پایداری» دانسته است (شرفی، ۱۳۹۴: ۸۹). معین بسیسو یکی از پیشگامان نمایش‌نامه‌نویسی فلسطین بود. او نمایشنامه‌های متعددی خلق کرد که از جمله آثار برجسته او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ثورة الزنج، شمسون و دليلة، العصفير تبنى أعشاشها بين الأصابع، کلیلة و دمنة، یومیات غزه، دفاتر فلسطینیه، ثمانية و ثمانین یوم خلف متاریس بیروت. این آثار، که گاه خاطرات و تأملات بسیسو از زندگی در آوارگی و مقاومت در برابر اشغالگری را بازتاب می‌دهند، نقش مهمی در تبیین مفهوم پایداری و مبارزه در ادبیات معاصر فلسطین ایفا کرده‌اند (بیدج، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

پایداری، محور اصلی و گوهر فراگیر اشعار معین بسیسو است. او همواره تلاش داشت تا در دو سطح قومی و اجتماعی به شاعر پایداری تبدیل شود. در نگاه او، آزادسازی قومی نقطه آغاز و بنیادی‌ترین شرط برای هر نوع آزادسازی دیگر است (شگری ۱۳۶۶: ۴۹۳).

#### ۴- مروری بر زندگینامه سعید بیابانکی

سعید بیابانکی در چهارم مهر ۱۳۴۷ در خمینی‌شهر اصفهان متولد شد. او از ۱۵ سالگی به سرودن شعر علاقه‌مند شد و نخستین تشویق‌ها را از مستخدم مدرسه خود دریافت کرد. با گذشت زمان و حضور در جلسات ادبی، علاقه و استعداد او در شعر جدی‌تر شد. بیابانکی با پیوستن به انجمن‌های ادبی سروش و صائب اصفهان، از محضر استادانی همچون صاعد اصفهانی، خسرو احتشامی، محمد مستقیمی و خلیل

بلدی بهره‌مند گردید. این آموزش‌ها نقش بسزایی در تقویت ذوق و مهارت‌های ادبی او داشتند. بیابانکی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی کامپیوتر در اصفهان به پایان رساند و از سال ۱۳۶۴ به صورت جدی به سرودن شعر روی آورد. اولین مجموعه شعرش با عنوان «ردپایی بر برف» در سال ۱۳۶۹ منتشر شد که آغازگر فعالیت حرفه‌ای او در عرصه ادبیات بود. شهرت اصلی او به‌عنوان شاعری صاحب سبک و با زبانی توانمند، در سال ۱۳۷۶ با انتشار کتاب «نیمی از خورشید» شکل گرفت. این اثر موجب تثبیت جایگاه او به‌عنوان یکی از شاعران شاخص ادبیات معاصر ایران شد (محمدپور و حسین‌زاده، ۱۴۰۰:۶).

## ۵- مضامین مشترک پایداری در شعر بسیسو و بیابانکی

ادبیات پایداری به‌عنوان نوعی ادبیات متعهد و ملتزم، بر محور ایثار و جان‌فشانی در راه آرمان‌های والایی چون دفاع از مظلومان، مبارزه با ظلم، آزادی‌خواهی، و حفظ هویت ملی شکل گرفته است. یکی از برجسته‌ترین این موضوعات، وطن‌دوستی و عشق به سرزمین مادری است که در اشعار مقاومت عربی و فارسی به شکلی پررنگ مطرح شده است.

### ۵-۱- وطن دوستی و عشق به وطن

وطن همواره یکی از مفاهیم مقدس و محبوب در میان انسان‌ها بوده است. پیوند عاطفی میان انسان و سرزمین، علاوه بر جنبه‌های تاریخی و فرهنگی، اغلب یادآور خاطرات شخصی مانند کودکی و خانواده است. وطن در ادبیات مقاومت به‌عنوان مظهر هویت، عزت، و آزادی شناخته می‌شود و شاعران آن را به مادر تشبیه کرده‌اند؛ مادری که در دامان آن پرورش یافته‌اند و شاخ و برگ گرفته‌اند. «وطن و جانبازی در راه آن، در فرهنگ عرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری که این مضامین در ادبیات عرب جایگاهی والاتر از دیگر موضوعات دارند» (جامه

شورانی، ۱۴: ۱۳۹۷).

در ادبیات مقاومت فلسطین، مفهوم وطن به دلیل تجربه آوارگی و اشغال سرزمین بسیار چشمگیر است. این مضمون در ادبیات مقاومت ایران نیز از جایگاهی خاص برخوردار است، اما بیشتر با تأکید بر حفظ استقلال و فداکاری در راه دفاع از مرزها همراه شده است (شرفی، ۱۱۴: ۱۳۹۴). شاعران در هر دو فرهنگ، عشق به وطن را به‌عنوان موضوعی ارزشمند و مقدس در اشعار خود گنجانده‌اند.

معین بسیسو، از شاعران برجسته ادبیات مقاومت فلسطین، همواره در اشعار خود از عشق به وطن، آزادی سرزمین، و زیبایی‌های آن سخن گفته است. فلسطین و به‌ویژه زادگاهش، غزه، محور بسیاری از اشعار اوست. او نه تنها به جغرافیای سرزمین خود، بلکه به تاریخ و اساطیر آن عشق می‌ورزید. «بسیسو وطن را حافظه تاریخی یک ملت می‌داند. وی نه تنها به جغرافیای وطن عشق می‌ورزد بلکه به تاریخ و اساطیر آن نیز عشق می‌ورزد و احساس نیاز می‌کند» (شرفی ۹۲: ۱۳۹۴). اشعار بسیسو از آلم و رنج‌های مردم فلسطین سخن می‌گوید و تلاش دارد تا این دردها را به صدای جهانیان برساند. او وطن را نمادی از هویت، عزت، و مقاومت در برابر اشغال‌گران می‌داند و همواره بر ضرورت آزادی آن تأکید می‌کند.

در ایران، مفهوم وطن‌دوستی با دفاع از مرزها، ارزش‌های ملی، و شهادت در راه حفظ استقلال همراه است. «همواره شاعرانی بوده‌اند که برای سربلندی و رهایی میهن کوشیده‌اند و شعرشان را در خدمت وطن قرار داده‌اند» (مهاجر نوعی و فلاحی، ۱۰۱: ۱۴۰۰).

این عشق به وطن در ادبیات دفاع مقدس ایران، با الهام از مفاهیم مذهبی، به شکل مضاعفی مورد توجه قرار گرفته است. شاعرانی چون قیصر امین‌پور و سعید بیابانکی با بهره‌گیری از مضامین شهادت و ایثار، حس وطن‌دوستی را در قالبی معنوی و حماسی ارائه کرده‌اند؛ بنابراین وطن‌دوستی به‌عنوان یکی از مضامین مشترک در ادبیات پایداری، نماد هویت و آزادی است. معین بسیسو و دیگر شاعران

فلسطینی، عشق به سرزمین مادری را در بستر آوارگی و مبارزه برای بازپس‌گیری وطن بیان کرده‌اند. در مقابل، شاعران ایرانی این عشق را با شهادت و معنویت پیوند داده‌اند و در قالبی حماسی و آیینی به نمایش گذاشته‌اند. بسیسو در قصیده «المدينة المحاصره» چنین سروده است:

هذي هي الحسناء غزّة في مآتمها تدور  
ما بين جوعى في الخيام و بين عطشى في القبور  
ومعدّب يقتات من دمه و يتعصر الجذور  
من الإذلال فاغضب أيها الشعب الأسير  
(بسیسو، ۲۰۰۸:۴۳)

این زیارو، غزه است که در میان اندوه‌هایش می‌گردد، در میان گرسنگان در خیمه‌ها و تشنگان در گورستان‌ها. میان شکنجه شده‌ای که از خون خود تغذیه میکند و ریشه‌ها را می‌فشارد تصاویری از ذلت پس‌غضب کن‌ای ملت اسیر. شاعر در این شعر، غزه، زادگاه خود را به زن زیارویی تشبیه کرده که تحت تأثیر رنج‌ها و مصائب بی‌پایان، زیبایی‌اش مخدوش شده است. این تشبیه، به‌خوبی پیوند عاطفی شاعر با وطن و حسرت او برای آزادی سرزمینش را بازتاب می‌دهد. او با بهره‌گیری از تصاویر گرسنگی، آوارگی، و رنج، از شرایط سختی که بر مردم غزه تحمیل شده است سخن می‌گوید. او وضعیت مردم را از زاویه‌ای انسانی و عاطفی به تصویر می‌کشد و آلام و سختی‌هایی مانند گرسنگی، تشنگی، و بی‌خانمانی را با تصاویر ملموس به مخاطب منتقل می‌کند. از مخاطبان خود می‌خواهد که در برابر این ظلم و ستم‌ها خشمگین شوند و قیام کنند. وطن در نگاه شاعر، موجودی مقدس است که نباید تحت هیچ شرایطی آسیب ببیند یا تسلیم شود. شاعر با زبان استعاری و نمادین، مخاطب را به همراهی با رنج‌های مردم غزه و مشارکت در مبارزه برای آزادی دعوت می‌کند.

بسیسو در شعر دیگری بنام «القمر المحنّط» چنین سروده است:

«یا وطنی»

یا قمرأً محنطاً صغیر

احمله فی حقیبة السفر

مهاجرأً علی جواد من خشب

ابحث عن طرودة العرب

مهاجرأً شرید».

(بسیسو، ۲۰۰۸:۳۳۵)

وطنم، ای ماه مومیایی کوچک،

که آنرا در چمدانم حمل می‌کنم، مهاجر بر اسبی چوبی

به دنبال تروای عرب می‌گردم، مهاجری آواره.

در این قصیده منظور از «ماه مومیایی» همان فلسطین است که شاعر با خود و در چمدان آن را حمل می‌کند این قصیده تداعی گر داستان ترواست ولی او به دنبال تروای عرب است تا بتواند با کمک آن سرزمین خود را رها سازد شاعر این ماه را به عنوان بخشی از خود در همه جا حمل می‌کند (شیخی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸). شاعر دنبال یک ناجی اسطوره‌ای، از نژاد عرب می‌گردد تا سبب آزادی و وطنش گردد، شاید بدین جهت اصطلاح تروای عرب را آورده است به هدف آنکه تلنگری باشد برای دیگر کشورهای عربی و خواهان آن است که این کشورها دست به دست هم داده و با اتحاد خود اسرائیل را نابود نمایند همانگونه که در داستان تروآ اتحاد و همبستگی نیروها باعث پیروزی بر دشمن شد. شاعر یکه و تنها سوار بر اسبی چوبی می‌گردد تا جماعتی را برای آزادی سرزمینش با خود همراه سازد جماعتی از نژاد عرب. شعر «یا وطنی» یکی دیگر از آثار برجسته معین بسیسو در ادبیات پایداری است که در آن شاعر فلسطین را به «ماه مومیایی کوچک» تشبیه می‌کند و با حمل آن در چمدان، نشان می‌دهد که وطن برای او عنصری مقدس، جدانشدنی، و همیشه همراه است. این شعر به‌طور استعاری به داستان اسطوره‌ای تروآ اشاره

دارد و از اتحاد و همبستگی برای آزادی فلسطین سخن می‌گوید. شاعر با استفاده از داستان اسطوره‌ای تروآ، ملت‌های عربی را به همبستگی و اتحاد فرا می‌خواند و این هم‌صدایی را کلید اصلی برای آزادی سرزمین فلسطین از اشغالگری می‌داند. او اتحاد اعراب را به‌عنوان راه‌حلی بنیادین برای بازپس‌گیری هویت ملی فلسطین معرفی می‌کند. در نگاه شاعر، فلسطین صرفاً یک سرزمین نیست؛ بلکه بخش جدایی‌ناپذیری از هویت فردی و ملی اوست که حتی در دوری و آوارگی نیز همواره با او باقی می‌ماند. شاعر با تمثیل به اسب چوبی تروآ و تأکید بر تلاش‌های فردی خود، نقش افراد را در شکل‌گیری جنبش‌های بزرگ برجسته می‌کند و اهمیت مسئولیت‌پذیری فردی را در مسیر مبارزه برای آزادی یادآور می‌شود. شعر «یا وطنی» را می‌توان بازتابی از عشق عمیق معین بسیسو به فلسطین دانست؛ اثری که ضمن دعوت به اتحاد و مقاومت، با تصاویر نمادین و استعاری، حس عمیق تعلق به وطن، لزوم مبارزه فردی، و ضرورت همبستگی ملی را پررنگ می‌کند. این شعر نمونه‌ای قابل توجه از ادبیات پایداری است که با الهام از اساطیر و بهره‌گیری از واقعیت‌های تاریخی، مفاهیمی همچون آزادی، عدالت، و اتحاد را به شکلی الهام‌بخش ترویج می‌دهد.

سعید بیابانکی نیز شعری مشابه با شعر بسیسو دارد که در آن از نگرانی خود بابت رنج‌های وطن سخن می‌گوید و از کسانی که باعث صدمه زدن به وطنش شده‌اند انتقاد می‌گیرد:

«پیچایی گیسوی شکن در شکن است این؟

یا مطلع پیچیده شب‌های من است این؟

زیر قدم رهگذران له نشود.. آآ

دل نیست که آلاله ی خونین کفن است این

نم نم بچشان بوسه خود را به لبانم

گیرایی بی‌حد شراب کهن است این

بگذار در آغوش تو آرام بگیرم  
دلچسب ترین شیوه جان باختن است این  
بنشین به تماشای فرو ریختن من  
دل... نه! به خدا خانه ویران من است این  
ارزان مفروشید رفیقان! سر ما را  
زنهار! مگر یوسف بی پیرهن است این؟  
سُم کوفته پاییز بر این دشت و گذشته است  
انگار نه انگار گل است این، چمن است این  
این قدر بر این پیکر تفتیده متازید!  
سوگند که ایران من است این، وطن است این...»  
(بیابانکی، ۱۳۹۰:۵۷)

سعید بیابانکی، همچون معین بسیسو، وطن را گوهری ارزشمند می‌داند که حفاظت از آن شایسته‌ای فراتر از جان انسان است. او در این شعر با بهره‌گیری از تشبیه‌های گوناگون، احساسات عمیق خود را نسبت به وطن بیان کرده است. در این توصیفات، وطن به دل، آلاله خونین‌کفن، شراب کهن، گل و چمن تشبیه شده که هرکدام گوشه‌ای از ویژگی‌ها و تاریخ وطن را نمایان می‌کند: آلاله خونین‌کفن به خون شهیدانی اشاره دارد که در جنگ تحمیلی برای دفاع از وطن جان خود را ایثار کرده‌اند. شراب کهن نمادی است از عشقی عمیق و دیرینه نسبت به وطن. گل و چمن نیز لطافت و آسیب‌پذیری وطن را نشان می‌دهد که نیازمند مراقبت و حمایت است. بیابانکی در این شعر وطن را به پیکری مقدس تشبیه کرده که حفظ حرمت و پاسداری از آن امری ضروری و حیاتی است و بر لزوم توجه به ارزش و جایگاه آن تأکید می‌کند.

## ۵-۱-۱. تفاوت مضمون وطن در شعر ایران و فلسطین

بی‌تردید، هر اثر ادبی تحت تأثیر عوامل فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه‌ای است که شاعر یا نویسنده در آن زندگی می‌کند. این تأثیرات، تفاوت‌هایی را در نگاه و بیان موضوعات مختلف، به‌ویژه در اشعار شاعران کشورهای گوناگون، ایجاد می‌کند.

در اشعار معین بسیسو و سعید بیابانکی نیز نوع نگاه به وطن و میهن تفاوت‌هایی دارد. در شعر شاعران فلسطینی، رنگ ملیت بسیار پررنگ‌تر است. این موضوع به دلیل تفاوت در نوع تهاجم و اعتقادات ملی است. در فلسطین، علاوه بر حمله اسرائیل، مسئله اشغال سرزمین و از بین بردن هویت ملی نیز مطرح است. در مقابل، در جریان جنگ تحمیلی ایران، دشمن نتوانست کشور را به‌طور کامل اشغال کند و تنها بخش کوچکی از خاک ایران به‌صورت موقت مورد تجاوز قرار گرفت. «عشق به سرزمین پدری و آبا اجدادی آنچنان در شعر فلسطین بروز دارد که در شعر مقاومت ما بروز ندارد، چرا که شاعر فلسطینی علاوه بر آنکه میهن خود را غصب‌شده می‌بیند، با خطر دیگری روبروست و آن اینکه نسل جدید فلسطین که کشور خود را ندیده و در جایی دیگر متولد شده، نسبت به آن احساس بیگانگی می‌کند» (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). یکی از تفاوت‌های اساسی به باورها و انگیزه‌های مبارزان بازمی‌گردد. میان رزمندگان ایرانی، انگیزه‌های نبرد بیشتر بر آموزه‌های اسلامی و مکتب تشیع پایه‌ریزی شده و بُعد ملی کمتر برجسته است. در مقابل، در میان مبارزان فلسطینی، انگیزه‌های ملی و هویت سرزمینی نقشی محوری‌تر دارند و در مقاومت آن‌ها تأثیرگذارند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده آن است که اشعار هر دو شاعر بازتاب‌دهنده شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی متفاوتی است که دیدگاه آن‌ها نسبت به مفهوم وطن و مقاومت را شکل داده است.

## ۲-۵. دعوت به جنگ و مبارزه

یکی از روش‌های مؤثر در اشعار پایداری برای ترغیب به مبارزه، استفاده از خطاب‌های مستقیم به عزیزان و نزدیکان همچون رفیق، برادر، مادر یا پدر است. به‌کارگیری این تعبیر، موجب می‌شود شعر با احساسات انسانی و عاطفی پیوند عمیق‌تری برقرار کند و تأثیرگذاری آن بر مخاطب افزایش یابد. چنین زبانی، افزون بر انتقال پیام مبارزه، ارتباطی عاطفی میان شاعر و خواننده ایجاد کرده و به تقویت پیام شاعر کمک شایانی می‌کند. این شیوه بیانی، به‌ویژه در ادبیات مقاومت، نقشی اساسی در تقویت انگیزه و تشویق مخاطبان به همراهی با آرمان‌های مبارزه ایفا می‌کند.

معین بسیسو در یکی از اشعار معروف خود بنام «المعركة» چنین سروده است:

«أنا إن سقطت فخذ مكاني يا رفيقي في الكفاح  
واحمل سلاحي لا يخفك دمي يسيل من السلاح  
وانظر الى شفتي اطبقتا على هوج الرياح  
وانظر الى عيني اغمضتا على نور الصباح  
أنا لم أمت أنا لم أزل ادعوك من خلف الجراح»  
(بسیسو، ۲۰۰۸:۴۱)

رفیقم! من اگر (در میدان مبارزه) از پای افتادم، تو جایگزین من باش؛ سلاحم را بردار و نترس از خونی که از سلاحم می‌چکد؛ به لبهای بسته‌ام در برابر شدت بادهای بنگر؛ و به چشمان بسته‌ام که بر نور صبح بسته‌اند نگاه کن؛ من نمرده‌ام من هنوز از پشت زخم‌ها تو را فرا می‌خوانم.

در این شعر، معین یاران و هم‌زمانش را به مقاومت و مبارزه فرا می‌خواند و از آنان می‌خواهد که حتی در صورت شهادت او در میدان نبرد، صحنه را ترک نکرده و راه او را ادامه دهند. شاعر با بهره‌گیری از تشبیهی زیبا، سختی‌ها و مشقت‌های جنگ را همچون «هوج الرياح»، یعنی طوفان‌های سهمگین، به تصویر می‌کشد. او بر

این نکته تأکید می‌کند که حتی شدت این طوفان‌ها نیز موجب نخواهد شد که لب به گلایه بگشاید و به مبارزه‌اش وفادار باقی می‌ماند. شاعر با ایجاد حس همدلی و انگیزش در مخاطب، او را به استواری در برابر دشمن و پافشاری بر ادامه مسیر مبارزه ترغیب کرده و جایگاه استقامت و ایستادگی در مواجهه با دشواری‌ها را برجسته می‌سازد.

سعید بیابانکی در شعری با عنوان «جنگ» تصاویری تأثیرگذار و مملو از تضاد را به تصویر می‌کشد. او در این شعر بیان می‌کند:

«پوکه‌های گلوله‌های توپ

گلدان شده‌اند

کلاه‌های آهنی سربازان لانه کبوتران

و من هر شب خواب جنگ می‌بینم»

(بیابانکی، ۱۳۹۴:۷۳)

این ابیات با بهره‌گیری از تقابل میان جنگ و صلح، تغییری نمادین در کارکرد ابزارهای جنگی پس از پایان نبرد را به تصویر می‌کشند. پوکه‌های گلوله، که روزگاری نماد خشونت و نابودی بودند، اکنون به گلدان‌هایی برای پرورش زندگی تبدیل شده‌اند؛ کلاه‌های آهنی سربازان، که روزی برای حفاظت در میدان نبرد به کار می‌رفتند، اینک به لانه‌ای امن برای کبوتران، نشانه صلح، بدل شده‌اند. اما شاعر با جمله‌ای تأمل‌برانگیز پایان می‌دهد که هنوز خواب جنگ می‌بیند. این عبارت حکایت از اثرات پایدار روانی جنگ بر ذهن و روح انسان دارد، حتی هنگامی که صلح به ظاهر برقرار شده است. این شعر، در عین اشاره به امید و صلح، به مخاطب یادآوری می‌کند که زخم‌های جنگ همچنان در خاطره بازماندگان نقش بسته است. او با یادآوری خاطرات و دستاوردهای جنگ، به گلدان‌شدن پوکه‌های گلوله و لانه‌کبوتر شدن کلاه‌های آهنی سربازان اشاره می‌کند. این تصاویر، علاوه بر نشان‌دادن تغییر کارکرد ابزارهای جنگی به نمادهای صلح، حافظه تاریخی جنگ را نیز حفظ می‌کنند.

### ۳-۵. دعوت به ایستادگی و استقامت

دعوت به ایستادگی و مقاومت یکی از موضوعات اصلی در ادبیات پایداری به شمار می‌رود. شاعران این حوزه، رسالت خود را در دعوت به استقامت و پایداری تعریف می‌کنند و بخش عمده‌ای از سروده‌های آنان به این موضوع اختصاص یافته است. این اشعار با زبانی پرشور و احساسی، خوانندگان را به مقاومت در برابر ظلم و ایستادگی در مسیر آرمان‌های خود تشویق می‌کنند. معین بسیسو در این زمینه چنین می‌سراید:

«أخی لو شحذوا السیف علی عنقی فلن ارجع  
ولو فی فمی الدّامی حبال سیاطهم تنقع  
فلن أرجع عن فجری، لن أرجع، لن أرجع  
و قد أوشک أن یطلع قد أوشک ان یطلع  
من الأرض التی من ثدیها برکاننا یرضع  
أخی، لو جرّنی الجلاّد قدّامک للمذبح  
لکی ترکع ترجوه بأن یعفو وأن یصفح  
أخی، ارفع رأسک الشامخ کی تشهدنی أذبح»  
(بسیسو، ۱۸۰:۲۰۰۸)

برادر اگر شمشیر بر گردنم تیز کنند هرگز زانو نمی‌زنم؛ حتی اگر طنابهای تازیه‌هایشان در دهان خون آلود من خیس شود؛ پس هرگز از سحر خویش بر نمی‌گردم، هرگز بر نمی‌گردم هرگز بر نمی‌گردم؛ (خورشید سحرگهان) در شرف طلوع است، در شرف طلوع است؛ از زمینی که آتشفشان ما از سینهاش تغذیه میکند؛ برادر اگر جلاّد در پیش چشمانت مرا به کشتارگاه برد؛ تا به زانو درآیی و امیدوار باشی که از من بگذرد.

شاعر در این بخش با بیانی عمیق و تاثیرگذار به تجسم استقامت و پایداری می‌پردازد. او صحنه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن جلاّدی قصد دارد فردی را

به سوی مسلخ ببرد، در حالی که عزیزان او با نگاهی مملو از اندوه این لحظات تلخ را مشاهده کرده و از دیدن آن دچار درد و تألم فراوان می‌شوند. با این وجود، شاعر با هنرمندی در عمق این اندوه و رنج، حلاوت و شکوه یک استقامت استوار را به خواننده القا می‌کند. پیام نهفته در این تصویر این است که هرچه سختی‌ها و مصائب افزون‌تر باشند، ارزش والای ایستادگی و خودداری از پذیرش خواری و سستی، بیش از پیش آشکار و سزاوار تحسین خواهد بود.

سعید بیابانکی نیز در اشعار خود به موضوع استقامت و پایداری پرداخته است. در این راستا، به بخشی از شعر او با عنوان «ادبیات پایداری» اشاره می‌کنیم:

«پدرم تکه تکه هر چه که داشت

رفت همراه با عصاهایش

سال پنجاه و هفت، چشمانش

سال هفتاد و پنج، پاهایش

پدرم روی جاماز خودش

بی نیاز از تمام خواهشها

سندی بود و بایگانی شد

کنج بنیاد حفظ ارزشها

روی این تخت رنگ و رو رفته

پدرم کوه بردباری بود

پدر مرد من به تنهایی

ادبیات پایداری بود. ..»

(بیابانکی، ۱۳۹۴: ۱۲)

شاعر در این اثر، پدر خویش را به‌عنوان نمادی از صبر و استقامت بی‌پایان به تصویر می‌کشد. او فردی است که از دوران پیروزی انقلاب اسلامی تا سال‌ها پس از جنگ تحمیلی، سختی‌ها و رنج‌های بسیاری را برای پاسداری از آرمان‌های خود

تحمل کرده است. پدر شاعر برای دفاع از این آرمان‌ها، اعضای گران‌بهای بدن خود، از جمله چشم‌ها و پاها، را از دست داده است. در این نگاه شاعرانه، چشم‌ها و پاها نمادهایی از قدرت و ارزش شمرده می‌شوند و شاعر بر دشواری زندگی بدون این دو عضو کلیدی تأکید می‌ورزد. او با یادآوری فداکاری‌های پدر و دیگر رزمندگان، اشاره می‌کند که این افراد ارزشمندترین داشته‌های خود را در راه آرمان‌هایشان قربانی کرده‌اند. این تصویر شاعرانه بازتابی از ایثار، پایداری و روح بزرگ انسان‌هایی است که برای حفظ استقلال و ارزش‌های والای جامعه خود جانفشانی کرده‌اند.

#### ۴-۵. امید به آینده

یکی از اهداف اصلی شعر پایداری، دمیدن روح امید در دل جامعه است. در مسیر مبارزه، گاه شرایطی پیش می‌آید که انسان را به سمت یأس و ناامیدی می‌کشاند. با این حال، شاعران عرصه پایداری با آثار خود همواره زمزمه پیروزی، رهایی و دستیابی به روزهای روشن‌تر را در ذهن جامعه‌ای که رنج‌ها را تجربه کرده، طنین‌انداز می‌کنند. از آنجا که اندیشه انتظار منجی در تمامی ادیان وجود دارد، باور به ظهور نجات‌دهنده، گاه به صورت مستقیم و گاه از طریق بشارت و امیدبخشی به آینده‌ای بهتر، در شعرهای شاعران مقاومت بازتابی برجسته یافته است.

«شاعر و نویسنده عرب، از پس ابرهای تیره یأس و سرخوردگی که آسمان چشمان مردم تحت ستم را فرا گرفته است، به روشنایی افق فردا نظر دارد و می‌کوشد با نوید شکست ستم و پیروزی عدالت، مردم را به جهاد دعوت کرده و بارقه امید را در دل‌ها روشن نگه دارد» (جامه شورانی، ۱۶: ۱۳۹۷). بسیسو با سرودن اشعاری در این زمینه، روح امید را در کالبد سرزمین خود می‌دمد. او مردم سرزمینش را به آمدن روزهای شیرین و زیبا بشارت می‌دهد؛ روزگاری که در آن، رویاهای زیبای کودکی بار دیگر تکرار خواهد شد، سرزمین اجدادی باز پس گرفته خواهد شد، و آرزوهایشان محقق خواهد گشت. شاعر، برای تحقق چنین روزگاری، مردم را به دعا

نزد پروردگار دعوت می‌کند و آنان را به امیدواری و تلاش برای رسیدن به این آینده درخشان فرا می‌خواند:

«ولکنه سوف یأتی الصبح  
ویکسر أبواب هذا الضباب  
ویضيء لنا أرض آبائنا  
وأرض طفولتنا و الشباب  
فتورق آمالنا كالغصون  
و کانت جذوراً ببطن التراب  
فقم و ادع مثلي لیوم الخلاص  
و میلاد تلك الأمانی العذاب»  
(بسیسو، ۲۰۰۸:۵۲)

لکن صبح خواهد آمد؛ و درهای این مه را خواهد شکست؛ و سرزمین اجدادی ما را روشن خواهد ساخت؛ همانها که ریشههایی در دل خاک بود؛ پس مانند من برخیز و برای روز رهایی دعا کن؛ و برای تولد آن آرزوهای شیرین. وی در این شعر با یادآوری خاطرات شیرین گذشته، امید به بازگشت آن روزهای خوش و وقوع اتفاقات نیکو را نوید می‌دهد. با این حال، این امیدواری را بدون پشتوانه اعتقادی مانند اعتقاد به ظهور منجی مطرح می‌کند. در مقابل، سعید بیابانکی مفاهیم امید به آینده و رسیدن روزهای خوب را در قالب اعتقادات مکتب تشیع و با تأکید بر ظهور حضرت مهدی (عج) بیان می‌نماید.

اندیشه نجات و باور به موعود در تمام ادیان تاریخی و بزرگ دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد. انتظار و اعتقاد به مهدویت، اساس مقاومت در برابر ستم است. در مکتب منتظران حقیقی، سازش و تسلیم در مقابل حکومت‌های ستمگر جایگاهی ندارد و هم‌نشینی با مفسدان و ظلم‌پذیری ناپسندیده است. منتظر حقیقی با اعتماد به وعده الهی، در راه مبارزه با ظلم و ایستادگی در برابر حکمرانی مستکبران استقامت

می‌کند و امید به پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران را تقویت می‌کند (برزگر، ۱۳۹۸:۲۰۵).

سعید بیابانکی با توجه به مذهب خود و در قالب اعتقادات مکتب تشیع، رسیدن به روزهای خوب را با ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی (عج) تفسیر می‌کند. این نگرش او را از معین بسیسو متمایز می‌سازد و مفاهیم پایداری و امید را در چارچوب باورهای آیینی و دینی به تصویر می‌کشد:

«خدا کند که بهار رسیدنش برسد

شب تولد چشمان روشنش برسد

چو گرد بر سر راهش نشسته ام شب و روز

به این امید که دستم به دامنش برسد

خدای من دل چشم انتظار من تا چند

به دور دست فلک بانگ شیونش برسد

چقدر بر لب این جاده منتظر ماندن

خدا کند که از آن دور توسنش برسد»

(بیابانکی، ۱۳۹۴:۸۹)

این شعر، ضمن برجسته کردن امید به آینده‌ای روشن و عدالت‌محور، در بافتی مذهبی و عاطفی، احساسات چشم‌انتظاری و تمنای رسیدن به وعده‌های الهی را بازتاب می‌دهد. به‌کارگیری تصویرهای ملموس مانند «بهار»، «دست به دامن شدن» و «توسن» حسی از پویایی، حرکت و انتظار فعال را القا می‌کند. ریتم و موسیقی درونی شعر، همراه با واژگان پرکاربرد مذهبی مانند «خدا»، «چشم‌انتظار» و «شیون»، احساسی از تمنای صادقانه و خلوص دینی را تقویت می‌کند.

مفهوم اصلی شعر، امید و پایداری در قالب اعتقاد به ظهور منجی است. شاعر از «بهار» به عنوان استعاره‌ای از تحول و زندگی تازه استفاده کرده که در فرهنگ شیعه به ظهور امام مهدی (عج) گره خورده است. انتظار در این شعر نه تنها

به‌عنوان یک حالت منفعل، بلکه به‌عنوان مسیری پر از تلاش و تحمل در نظر گرفته شده است. نشستن «چو گرد بر سر راه» نشان‌دهنده‌ی عزم و تعهد عمیق شاعر برای رسیدن به آرمان نهایی است.

در مقایسه با آثار معین بسیسو، شعر بیابانکی بر مفهوم انتظار فعال در چارچوب باورهای آیینی تمرکز دارد. معین بسیسو در اشعار خود بیشتر بر مقاومت در برابر ظلم از طریق کنش‌های اجتماعی تأکید می‌کند، در حالی که بیابانکی راه‌حل نهایی را در وعده‌های الهی و ظهور منجی می‌بیند. این تفاوت نشان‌دهنده‌ی دو رویکرد متمایز در ادبیات پایداری است: یکی با محوریت مبارزه اجتماعی و دیگری در قالب مفاهیم دینی.

پیام شعر، امید به آینده‌ای است که از طریق ظهور منجی و برقراری عدالت به تحقق می‌پیوندد. شاعر با زبانی ساده و تأثیرگذار نشان می‌دهد که انتظار، نه تنها یک باور، بلکه نیرویی محرک برای مقاومت در برابر دشواری‌هاست. این شعر به‌طور کلی نمادی از تلفیق ادبیات پایداری و ادبیات دینی است که ارزش‌های شیعه را با مفاهیم جهانی امید و رهایی در هم می‌آمیزد.

## ۵-۵. بزرگداشت شهادت و مقام شهدا

از مهم‌ترین راه‌های ترویج فرهنگ شهادت در یک جامعه، پاسداشت شهدا و زنده نگه‌داشتن نام و یاد آنان است. شعر به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه، نقش مهمی در بزرگداشت مقام شهیدان ایفا می‌کند. شاعران عرصه پایداری، در آثار خود به ستایش ایثارگری و شهادت پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند راه و شیوه زندگی شهیدان را بازتاب دهند.

در ادبیات اسلامی، شهادت آگاهانه در راه خدا، که در راستای تحقق اهداف الهی و اسلامی است، جایگاهی ویژه دارد. این موضوع در قرآن کریم نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، در آیه ۱۶۹ از سوره آل عمران آمده است:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ کسانی که در راه خدا شهید شده‌اند را مرده نپندارید، بلکه آنان زنده و جاودانند و نزد پروردگار خود روزی می‌خورند.

معین بسیسو یکی از شاعرانی است که در اشعارش، شهادت در راه وطن را یکی از بارزترین مضامین خود قرار داده است. وطن، که همواره محور درگیری‌ها و دغدغه‌ای اصلی برای مردم فلسطین بوده است، جایگاهی ویژه در اشعار او دارد. بسیسو در بسیاری از اشعار خود، به ستایش شخصیت‌های فلسطینی که توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده‌اند و همچنین مبارزان شهید پرداخته است. شهید و شهادت به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی شعر او، تجلی بارزی از روحیه مقاومت و پایداری در برابر اشغالگری است:

«تفاجئني الأرض

و كف الشهيد بحجم السماء

تفاجئني الأرض

و يرسم وجه فلسطيننا المقبله»

(بسیسو، ۲۰۰۸:۵۳۰)

زمین مرا غافلگیر می‌کند؛ و دست شهید به وسعت آسمان است؛ زمین مرا غافلگیر میکند؛ و چهره آینده فلسطین ما را ترسیم می‌کند.

معین بسیسو در این شعر به وارثان سرزمین خود، یعنی کسانی که برای نجات وطن در برابر دشمن مقاومت می‌کنند، اشاره دارد. او با بهره‌گیری از تشبیهی زیبا و گویا، عبارت «كف الشهيد بحجم السماء» (دست شهید به اندازه آسمان) را به کار می‌برد. این تعبیر یکی از کامل‌ترین روش‌ها برای بیان جایگاه والای شهیدانی است که در راه سرزمین خود جانفشانی کرده‌اند.

یکی دیگر از موضوعاتی که بسیسو در این شعر بر آن تأکید دارد، جاودانگی شهید و اثرگذاری او بر جامعه و ملت است. از نظر شاعر، شهید نماد ایستادگی

و پایداری است که با فداکاری خود، پرچم آزادی وطن را برافراشته می‌کند (جان محمدی، ۱۴۰۰:۳۲). شاعر با تشبیه وسعت دست شهید به وسعت آسمان، عظمت و تأثیر گسترده شهادت را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که این ایثار می‌تواند تمام زمین و آسمان را تحت تأثیر قرار دهد.

بیابانکی نیز اشعاری در باب شهادت سروده است از جمله در غزل لبخند شمعدانی‌ها این‌گونه سروده است :

ز برگ لاله، گذرگاه شهر، گلپوش است	به ذهن باغ، کد امین نسیم پیچیده ست
رسیده زاپیری از کربلای خون، زین روست	کسوف شرم، نشست ست بر رخ خورشید
در این رحیل به چاووش، احتیاجی نیست	سیاهروزی دشمن ز هر طرف پیداست
شهید مزده لبخند شمعدانی هاست	ز چشمه سار خیابان، شهید در جوش است
کزان نسیم، شمیم بهار مدهوش است	به وصل او دل بی تاب شهر آغوش است
چو دیده کوچه ما، آفتاب بر دوش است	که کوچ قافله ها را شهید، چاووش است
در این میانه اگر مادری سیه پوش است	به شمعدان زمان کی شهید خاموش است؟

(بیابانکی، ۱۳۹۴:۴۳)

این شعر با بهره‌گیری از تصاویر دینی و شاعرانه، مفهوم عمیقی از شهادت و ایثار را در بستری اجتماعی و تاریخی به تصویر می‌کشد. شاعر با استفاده از استعاره‌ها و پرسش‌های فلسفی، نقش خون شهیدان در تحول جامعه و تاریخ را نمایان می‌کند و شهادت را همچون نیرویی زنده و جاری در انسان و زمان جلوه می‌دهد. در این منظومه، «شهید» نماد روشنی و رهایی است که علی‌رغم مرگ، تأثیر ماندگاری بر تاریخ و جامعه می‌گذارد و در اوج سوگواری و مظلومیت نیز پیام‌آور امید، حیات و تغییر است. تصاویری همچون «آفتاب بردوش» و «مزده لبخند شمعدانی‌ها» شهید را به منزله منبعی از نور و زندگی معرفی کرده، در حالی که اشاراتی مانند «کربلا» و «کسوف» تقابل حق و باطل را برجسته می‌سازند. این شعر به طرز هنرمندانه‌ای، زمینه‌ای برای پیوند فلسفی و عاطفی میان شهادت و رستگاری، تاریکی و روشنایی

فراهم می‌کند.

در این شعر، بیابانکی با بهره‌گیری از تصاویر نمادین و استعاری، مفاهیم شهادت و ایثار را به‌عنوان پدیده‌هایی جاودان و تاثیرگذار در تاریخ و جامعه ترسیم کرده است. شاعر با آمیزش عناصر دینی و انسانی، شهادت را نه پایان یک حیات، بلکه آغاز جریانی معنوی و فرهنگی می‌داند که بر زمانه و جامعه اثرگذار است. در این اثر، شهید همچون «چاووش» قافله‌ای از فداکاری‌ها و مقاومت‌ها معرفی شده که همواره در حافظه مردم و تاریخ زنده می‌ماند. بیابانکی با استفاده از استعاره‌هایی از قبیل «آفتاب بردوش» و «مژده لبخند شمعدانی‌ها»، شهادت را نمادی از نور، روشنی و امید در برابر ظلم و تاریکی معرفی می‌کند. در نهایت، شاعر با طرح پرسشی فلسفی درباره خاموشی شهید، بر بُعد ابدی یاد و تاثیر شهادت تأکید کرده و نشان می‌دهد که این فروغ همیشه در طول تاریخ روشن باقی خواهد ماند.

## ۵-۶- ذکر اسوه‌ها و الگوهای تاریخی-اسلامی

شاعران معاصر عرب برای بیان بهتر مفاهیم و مقاصد خود در اشعارشان از سرگذشت شخصیت‌های برجسته تاریخی الهام می‌گیرند و از این راه به آثار خود هویتی ویژه می‌بخشند. اشاره به الگوها و اسوه‌های تاریخی روشی تاثیرگذار و جذاب در ادبیات، به‌ویژه در حوزه ادبیات پایداری محسوب می‌شود؛ چرا که این روش، مفاهیم مدنظر شاعر یا نویسنده را به شکلی عینی‌تر و ملموس‌تر به مخاطب منتقل می‌کند.

الگوگیری و شبیه‌سازی به شخصیت‌های برجسته، همواره یکی از روش‌های هویت‌یابی و ساخت شخصیت در ادبیات بوده است. این موضوع ناشی از تمایل انسان به یافتن کمال و خوبی‌ها در الگوهای تاریخی و فرهنگی است (محمدپور و حسین‌زاده، ۱۴۰۰:۱۶).

معین بسیسو از شخصیت‌هایی همچون ابوذر غفاری و ابن مقفع یا اسطوره‌هایی

مانند عرندس و الأسد عنتره برای بیان اندیشه‌های شخصی خود بهره می‌برد. تصاویر شاعرانه و رمزهایی که در اشعار او به کار رفته‌اند، یکی از جنبه‌های برجسته سبک شعری‌اش را آشکار می‌کنند. این تصاویر نشان‌دهنده نگاه شاعر به جهانی است که به دو دنیای متضاد سفید و سیاه تقسیم شده است؛ دنیایی که در آن، سیاهی همواره به دنبال نابودی سفیدی است، اما در نهایت، سپیدی به پیروزی دستی خواهد یافت. (امین مقدسی و فراهانی، ۱۳۹۸:۴).

بسیسو قصیده‌ای با عنوان «من اوراق ابی ذر الغفاری» دارد که در آن چنین می‌سراید:

«سارَ وحده و ماتَ وحده و عادَ

یصیح مت و لم تزل

بقیه من الکلام فی فمی

نُفیت مرتین، مرّه هنا

و مره هناک فی الحدیقه المعلقه

بلوت صحبه الملائکه

بلوتها سئمتها

ضجرت من ولدانها المخلدین، حورها المزوقه

و خمرها المعتقه

و عدتُ یا معاویه

ألقى بشعره الذئاب

فی مغازل العناکب المشرّده»

(بسیسو، ۲۰۰۸:۲۱۱)

تنها رفت و تنها جان داد و تنها بازگشت؛ فریاد میزند من مُردم اما هنوز؛ باقیمانده‌های از آن کلام در دهان من است؛ دوبار تبعید شدم، یک بار اینجا؛ یک بار هم در باغ آویزان؛ همنشینی با فرشتگان را آزمودم؛ آزمودم و خسته شدم؛ از پسران

نامیرایش، از فرشتگان زینت شده‌اش، خسته شدم؛ و از شراب کهنه‌اش؛ و باز گشتم ای معاویه؛ تا موی گرگها را؛ در دوک عنکبوت‌های آواره بیندازم.

بیت اول این شعر، برگرفته از سخن پیامبر اکرم (ص) است. در جنگ تبوک، زمانی که ابوذر غفاری پس از سه روز تشنگی و با پای پیاده به لشکر می‌پیوندد، پیامبر درباره او می‌فرماید: «رحم الله أبا ذر یمشی وحده و یموت وحده و یبعث وحده» (الذهبی، ۳۴۷:۲۰۰۶).

در این روایت، شاعر با الهام از شخصیت ابوذر، گویی او را بار دیگر احیا کرده است؛ احیایی برای ادامه مبارزه با ستمگران عصر. در این تصویر شاعرانه، ابوذر که از یکنواختی بهشت و زندگی میان حوریان دلزده شده، به واسطه روحیه ظلم‌ستیزش حاضر می‌شود از نعمت‌های بهشتی چشم‌پوشی کند و به دنیای خاکی بازگردد تا همچنان در برابر ظلم مقاومت کند.

شاعر ابوذر را به یک مبارز فلسطینی تشبیه کرده است، زیرا مبارزان فلسطینی نیز غالباً تنها، بدون سلاح و در عین حال با اراده‌ای مصمم به نبرد پرداخته و سرانجام در این مسیر جان می‌بازند. در بخش‌هایی از شعر، شاعر از زبان ابوذر به شرح زندگی پر از تبعید و مبارزه او می‌پردازد.

از جمله شخصیت‌های عظیمی که هر دو شاعر درباره آن‌ها شعر سروده‌اند، امام حسین (ع) است. البته سعید بیابانکی اشعار بسیاری درباره دیگر معصومان نیز سروده است، چراکه این بزرگواران در فرهنگ تشیع، نماد مقاومت و پایداری در برابر ظلم و ستم بوده‌اند.

سعید بیابانکی امام علی (ع)، امام رضا (ع) و حضرت فاطمه (س)، را میراث‌دار خون شهدا و نخستین گل بوستان شهادت معرفی کرده است. او درباره حضرت فاطمه (س) چنین می‌گوید: «گلی که باغ شهادت از او به بار نشست / چراغدار شهیدان کربلا زهراست» (بیابانکی، ۱۳۹۴:۶۶).

در شعر معاصر عرب، امام حسین (ع) به عنوان نمادی از ایثار و دلآوری شناخته

می‌شود. استقامت ایشان در برابر ظلم و فدا کردن جان خود در این مسیر، او را به یکی از شجاع‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام تبدیل کرده است. شاعران عرب به‌ویژه بر شجاعت امام تأکید دارند، نه تنها بر مظلومیت او، که این نکته به خودی خود شایان توجه است) بیدج، ۱۳۸۹:۸۸).

معین بسیسو نیز در قصیده معروف خود با عنوان «العودة إلى كربلاء»، که به وقایع عاشورا می‌پردازد، این واقعه تاریخی را به‌صورت شاعرانه به تصویر کشیده است:

«آت علی عطشی و فی زوادی ثمر النخیل

فلیخرج الماء الدفین الی و لیکن الدلیل

یا کربلاء تلمسی وجهی بمائک تکشفی عطش القتیل

و تری علی جرح الجبین أمانه تملی خطای» (بسیسو، ۱۹۷۲:۴۶۷)

تشنه لب می‌آیم و در توشه دانم خرما دارم؛ باید آب نهفته را بیرون بیاورد و راهنما باشد؛ ای کربلا با آبت چهره‌ام را نوازش کن تا عطش آن کشته شده را ببینی؛ آنگاه بر زخم پیشانی امانتی را ببینی که گام‌هایم را هدایت می‌کند.

معین بسیسو در این سروده به کربلا، امام حسین (ع) و تشنگی حادثه عاشورا اشاره می‌کند. واضح است که او از داستان عاشورا و چالش‌ها، دشواری‌ها و شخصیت‌های آن به‌عنوان وسیله‌ای برای انعکاس شرایط تلخ جامعه خود، همچون قتل‌عام هم‌میهنانش و نمایش ظلم و ستم صهیونیست‌ها بر مردم فلسطین استفاده کرده است (نجم‌الدین و صادقی، ۱۳۹۶:۱۵).

سعید بیابانکی نیز در اشعار متعددی به ذکر واقعه عاشورا پرداخته است. برای نمونه، چند بیت از اشعار او آورده می‌شود. وی در غزل «تشت زر» چنین سروده است:

باز این چه شورش است، مگر محشر آمده

خورشید سر برهنه به صحرا برآمده

آتش به کام و زلف پریشان و سرخروی  
 این آفتاب از افقی دیگر آمده  
 یاران نظر کنید به پهلو گرفتنش  
 این کشتی نجات که بی‌لنگر آمده  
 شاعر، شکست خورده توفان واژه‌هاست  
 یا این غزل بهانه چشم‌تر آمده  
 بانگ «فیا سیوف خذینی» است بر لبش  
 خنجر فرو گذاشته با حنجر آمده  
 آورده باخودش همه از کوچک و بزرگ  
 اصغر بغل گرفته و با اکبر آمده  
 (بیابانکی، ۱۳۹۰:۹)

این ابیات با لحنی حماسی و احساسی، صحنه‌ای از واقعه عاشورا را به تصویر می‌کشند. شاعر امام حسین (ع) را به خورشیدی تشبیه می‌کند که از افقی دیگر طلوع کرده و به صورت استعاری، ایشان و یارانش را به کشتی نجاتی توصیف می‌کند که بدون لنگر در دریای طوفان‌زده راهبری می‌کند. واژه‌ها و تصاویری که در شعر به کار رفته‌اند، عظمت ایثار و مظلومیت امام و یارانش را با تأثیری ماندگار در ذهن مخاطب ثبت می‌کنند.

شاعر با الهام از ترکیب‌بند جاودانه محتشم کاشانی و عبارت «باز این چه شورش است» آغازگر شعر خود می‌شود. او در این اثر، ضمن بازگویی واقعه عاشورا، بر تشنگی امام حسین (ع) و یارانش و سختی‌های طاقت‌فرسایی که بر آنان گذشته است تمرکز می‌کند. شاعر شخصیتی مبارز و مقاوم را ترسیم می‌کند که الگویی تمام‌عیار از ایثار و پایداری است. در این روایت، امام حسین (ع) به‌عنوان نمادی بی‌نظیر از ایثار و مقاومت معرفی می‌شود؛ چهره‌ای که قرن‌هاست الهام‌بخش مبارزان در جهان اسلام و حتی فراتر از آن بوده و همچنان باقی مانده است.

در این شعر، با پرداختن به ابعاد مختلف و جزئیات واقعه عاشورا، به شکلی زیبا حوادث این روز تاریخی را در قالب شعری تأثیرگذار ترسیم کرده است. زبان دقیق و شاعرانه او به خوبی توانسته عمق مصائب و عظمت فداکاری‌های امام حسین (ع) و یاران وفادارش را به خواننده منتقل کند و احساسات عمیقی را در دل‌ها برانگیزد. این اثر نمونه‌ای برجسته از استفاده هنرمندانه شعر در بازتاب مفاهیم والای پایداری و ایثار به شمار می‌آید.

### برخی از تفاوت‌های مضامین دو شاعر:

معین بسیسو و دیگر شاعران فلسطینی، عشق به سرزمین مادری را در بستر آوارگی و مبارزه برای بازپس‌گیری وطن بیان کرده‌اند. در مقابل، شاعران ایرانی این عشق را با شهادت و معنویت پیوند داده‌اند و در قالبی حماسی و آیینی به نمایش گذاشته‌اند. یکی از تفاوت‌های اساسی به باورها و انگیزه‌های مبارزان بازمی‌گردد. میان رزمندگان ایرانی، انگیزه‌های نبرد بیشتر بر آموزه‌های اسلامی و مکتب تشیع پایه‌ریزی شده و بُعد ملی کمتر برجسته است. در مقابل، در میان مبارزان فلسطینی، انگیزه‌های ملی و هویت سرزمینی نقشی محوری‌تر دارند و در مقاومت آن‌ها تأثیرگذارند. در مقایسه با آثار معین بسیسو، شعر بیابانکی بر مفهوم انتظار فعال در چارچوب باورهای آیینی تمرکز دارد. معین بسیسو در اشعار خود بیشتر بر مقاومت در برابر ظلم از طریق کنش‌های اجتماعی تأکید می‌کند، در حالی که بیابانکی راه‌حل نهایی را در وعده‌های الهی و ظهور منجی می‌بیند. این تفاوت نشان‌دهنده دو رویکرد متمایز در ادبیات پایداری است: یکی با محوریت مبارزه اجتماعی و دیگری در قالب مفاهیم دینی.

### نتیجه‌گیری

معین بسیسو و سعید بیابانکی از شاعران برجسته حوزه ادبیات پایداری هستند که اشعار بسیاری در این زمینه سروده‌اند. جلوه‌های پایداری در آثار این دو شاعر،

بازتابی از روحیه آزاداندیشی و ظلم‌ستیزی آنان است. مطالعه تطبیقی اشعار این دو شاعر، امکان آشنایی با فرهنگ، آداب و رسوم کشورهای آنان و درون‌مایه‌های فکری اشعارشان را فراهم می‌کند.

وطن‌دوستی، دعوت به مبارزه و پایداری، امید به آینده و بهره‌گیری از الگوهای تاریخی، از درون‌مایه‌های مشترک شعری معین بسیسو و سعید بیابانکی است. بااین‌حال، در اشعار معین بسیسو، رنگ ملیت برجسته‌تر است، درحالی‌که در اشعار سعید بیابانکی، رنگ مذهب غالب می‌باشد.

رسالت اصلی شعر پایداری، آگاهی‌بخشی، حفظ ارزش‌های مذهبی و ملی، و بازنمایی این مفاهیم به شیوه‌ای حماسی و عاطفی است. مهم‌ترین عناصری که ادبیات پایداری بر آن‌ها تأکید دارد، ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و ظالم، بزرگداشت شهدا، و نقش آنان در نجات یک ملت است. این عناصر در اشعار هر دو شاعر با نگاهی تقریباً مشابه کاملاً مشهود است.

امام حسین (ع) یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای است که هر دو شاعر درباره ایشان و وقایع کربلا، اشعار تأثیرگذاری سروده‌اند. این اشعار به‌وضوح نشان‌دهنده پیوند عمیق اعتقادات مذهبی و مفاهیم پایداری در آثار آنان است.

## منابع و مأخذ

اقبال، مسعود. شیخی سومار، بهمن (۱۴۰۰). رویکردی تطبیقی به جلوه‌های مقاومت و پایداری در شعر متوکل طه و علیرضا قزوه ششمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل.

امین مقدسی، ابوالحسن. فراهانی، سمیرا (۱۳۹۸). نقاب ابوذر غفاری در شعر معین بسیسو فصلنامه علمی نقد ادب معاصر عربی. سال دهم / بیستم پیاپی، شماره ۱۸.

برزگرگلوچه، مرضیه (۱۳۹۸). فلسفه مقاومت در ادبیات با تأکید بر آثار یوسفعلی میر شکاک، محمود شاهرخی، باقر ساعدی، سعیدبیابانکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه تبریز.

بسیسو، معین (۱۹۷۲). دیوان الشعر العربی الحدیث بغداد: انتشارات الأدیب البغدادی.

بسیسو، معین (۲۰۰۸). الأعمال الشعریه الكامله معین بسیسو بیروت: دار العوده.

بیابانکی، سعید (۱۳۹۴). سنگچین تهران: سوره مهر.

بیابانکی، سعید (۱۳۹۰). نامه‌های کوفی تهران: سوره مهر.

بیابانکی، سعید (۱۳۹۰). جامه دران تهران: انتشارات فصل پنجم.

بیابانکی، سعید (۱۳۹۴). یلدا، تهران: سوره مهر.

بیدج، موسی (۱۳۸۹). مقاومت و پایداری در شعر عرب، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۹). آشنایی با ادبیات مقاومت جهان. چاپ اول. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

جان محمدی، هارون (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر نصر الله مردانی و معین بسیسو پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور.

بندر ترکمن. ۱۴۰۰.

جامه شورانی، عفت (۱۳۹۷). ادبیات پایداری با نگاهی به عاشورا. تهران: انتشارات موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

حاج بابایی، محمدرضا مرادی، سجاد (۱۳۹۶). بررسی مقاومت فلسطین در شعر محمود درویش و حسین اسرافیلی. نشریه ادبیات پایداری. سال نهم. شماره ۱۷. صفحه ۱۰۸.

الذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان قایماز الذهبی (۲۰۰۶). سیر أعلام النبلاء. قاهره: دار الحديث.

زندوکیلی محمدتقی؛ قاسمیان، مرضیه (۱۳۹۷). کارکرد نمادهای سنتی در شعر متوکل طه. مجله ادب عربی، سال دهم، شماره ۱.

سنگری محمد رضا. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی). تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.

شرفی، منیره (۱۳۹۴). تطبیق محتوایی و قالبی ادبیات پایداری در شعر انقلاب اسلامی. چاپ اول. قم: انتشارات لوح محفوظ.

شکری، غالی (۱۳۶۶)، ادب مقاومت، ترجمه حسین روحانی تهران: نشر نو.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰)، شعر معاصر عرب، انتشارات سخن.

شیخی، علیرضا؛ انصاری، نرگس؛ میرزایی، وحید (۱۳۹۹). تحلیل مفهوم وطن در سروده‌های معین بسیسودومین همایش ملی ادبیات مقاومت (با محوریت

شهید سپهبد قاسم سلیمانی).

فرشید ورد، خسرو (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی، تهران: امیر کبیر.

گلچین، زهرا. برزمینی، لایلا (۱۳۹۵). جلوه‌های مقاومت در اشعار علیرضا قزوه. همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی.

محمد پور، خیر النساء؛ حسین زاده، آزاده (۱۴۰۰). جلوه‌های پایداری در سروده‌های سعید بیابانکی. فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و

ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره ۱۳، شماره ۵۰.  
محمدی روزبهانی، محبوبه (۱۳۸۹) بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و  
فلسطین، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.  
نجم الدین، نرجس. صادقی، معصومه (۱۳۹۶). تطبیق شاخصهای ادب پایداری در  
سرودهای عبد الجبار کاکائی و معین بسیسو. فصلنامه بهارستان سخن، سال  
۱۴، شماره ۳۸.  
ندا، طه (۱۳۹۴). ادبیات تطبیقی. مترجم حجت رسولی. چاپ اول. تهران: مرکز  
چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.